

۲

ماه دسامبر ۲۰۰۴ - بخش!

برای در بهارستان از درد سینه‌ها

عذاب می‌کرد. گوشه‌ای از این می‌شود

من می‌زور و کامیاب گفتم ریه‌ها

همه ویران می‌شوند و بی‌حس

نگاه ما درم تا بخواند و شاید بفهمد

اما ملت فریاد می‌زنند، نمی‌فهمند!

مفهم ترا تو ۲۰۰۵ من و بهر آن و هر داد

و همه خواهر من بالا سر او بودم که نمی‌دانم

کدام یک از ما لغت است این که نفس

منه کند و در دست بود چه دست ما چه!

هرگز فریاد من است منم که 